

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومیه (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)

طهران خیابان لاله زار
فاب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اقا شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اجازه آزاد است

یکشنبه ۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۵ هجری قمری و ۴ تیر ماه جمادی ۸۲۹ و ۲۳ ژوئن ۱۹۰۷ میلادی

مناقضین را بیرون کنید

(کوه الوند بیستون گردید)

(بیرق ظلم سرکون گردید)

امروز بر اهل عالم معلوم شد این ملت غیور تاجه
درجه برای حفظ اساس مشروطیت با جان و مال حاضر
و استحکام این بنیان را مصمم و مهیا هستند دیگر مستبدان
مایوس شوند و از تدابیر بیمزه خنک دست بردارند
آسوده بخوابند و آب پاکی بدست خود بریزند دست
بشویند و امید را بنا امید میبدل کنند که دیگر این لواء
خواهید بلند نخواهد شد و آب رفته بجوی باز نخواهد
آمد، شیاطین را با سهام شهاب ناب میزنند و از حول
حربم کعبه قدس میرانند و دور میسازند طبر عدالت سخت
برنده او تیشه انصافی نهایت تیز است.

اذهان ثابته زیر کان عکس باطن شما را
بتوسط ضواء غیر مرئی برداشته بهالمیان نشان میدهند
هرکس سرش از مازو بزرگتر گردد چنان میکوبند که
خورد و خمیر میشود و با پنجه قوی بازوی استبداد را
در هم میشکنند — هان هان خیالات دور و دراز
نباید باو هام سخیفه خویشتن را معطل و سرگردان نسازید
و بطور یقین بدانید که دیگر راستر داد نظام و عدو آن و ارتقاع
لواء طفیان و عصیان، مکین خون ملت، بریدن شریانهای
رعیت از عهده همه شیاطین واجنه و عقارت و همه ارواح
حیثه و ابدان پلیده خارج

قومیکه بایک هوش فوق العاده طبیعی و یک غیرت
شش هزار ساله ایرانی از خواب چشم باز کرده و مضرات
وجودهای مودی را فهمیده بعدها ممکن نیست فریب

شعبه و سحرانهارا خورده ثانیاً خود را اسیر استبداد نمایند
و از هرکس اندک بدگمان شده و سؤ ظنی برده با همه
قوت خود در دفاع از مقدسه او حاضر و استخلاص از
دست فساد او را پیشنهاد خاطر میکنند و لا محاله طرف
مخالف هرچه بر زور باشد از عهده ستیزه با ملتی بر
آئین را نمیتوانند — خایب و خاسر سر شکسته و منقل
خواهد شد اگر چه در علم سرآمد فضلاء زمان و یگانه
داناتی جهان باشد — البته تفصیل واقعه (لا ووا زمه)
عالم بلکه پدر علم شیعی جدید را خواننده آید که این
مرد بانهمه خدمت مائش بعالم علم که نظیرش تاکنون غیر از
(پاستور) دیده نشده چنانکه اوست اول کسیکه ثابت
کرد آب مرکب از دو ماده است — با وجود اینها بواسطه
کثرت سؤ ظنی او را در میدان عمومی کشتند — تفصیل
خطیب معروف (میرابو) را لابد شنیده آید که بعد از پنجاه سال
تقریباً لاشه اش را از قبرستان اشرف بیرون آورده در
قبرستان کناه کاران دفن کردند

پس چه قدر بدبخت وی سعادتمند خواهد بود کسیکه با شنیدن
و فهمیدن این مطالب بساز بایک ملت بنای کج تایی و
ستیزه را بگذارد و اساس آذینش سی کرور نفوس را
هم زدن خواهد که نتیجه این کردارش جز بدنامی و نا
آیندی و مطرو دیت در نزد ملت نخواهد بود

توضیح این مقال و تفصیل این اجمال آنکه فرقان
مستبدین که آب و گل وجودشان از ظلم و انصافی و بیرحمی
سرشته بعد از آنکه از هر در میوس شدند و بر کشتن دوره
استبداد را نتوانستند صلاح چنان دانستند که بهر شیوه
هست مسئله را دینی و مذهبی کرده با هم شریعت بنیان اسلام را
خراب کنند و نام دیانت ظلم را اشاعت دهند این بود که

بتدابیر عملی جناب حاجی شیخ فضل الله را فریب داده یا خود متفق ساختند و لواء مخالفت را بلند نمودند کاهی زیاد کردن يك ماده را بر قانون اساسی دست آویز و وقتی کم کردن يك فصلی از انرا بهانه ساختند و روان مطهر صاحب شریعت را خستند حضرات حجج اسلام و وکلاء عظام محض تسکین فتنه و رفع خلافی قدر مقدور مساعدت و همراهی نموده مقاصد آنها را انجام میدادند مع هذا اصلا افاقه نمیکرد و مجالس سری و علنی بر ضد مشروطیت منعقد میساختند اگر چه بر حسب معاهده نامه که خدمت حجج اسلام ضبط است منعقد شده که دیگر پیرایون خلافی نگردد ولی اصلا فائده نداشت و روز بروز شدت میگردید آنها تکیه از بلاد دیگر هم مطرود و منفی شده بودند برای راحت خود این آتش را دامان میزدند کار بالا گرفت مخالفت رسمی شد هر روز جمعی را جمع کردند ندای شقاق شان بکوش عارف و عامی رسید - ملت غیور تاب این حرکات را نیاورده چند آنکه خدمت حجج اسلام عرض حال میکردند آقایان آنها را امر بسکوت میفرمودند مگر این آتش افروخته زود خاموش شود و موجبات توهین فراهم نیاید

اما این سکوت و آرامی اسباب تقویت خیال مخالفین شده از شدت بی فهمی گمان کردند ملت از دفع شر آنها عاجز است پس نشسته کنکاش و مشورت نموده صلاح چنان دانستند که بنام روضه خانی مجلسی در مسجد جمعه که مرکز شهر است منعقد کرده خلق را با سم حق بطرف باطل دعوت کنند (محتاج بسط و شرح نیست که محرک آن اشخاص کیست و بویلیکه بانها داده میشود از کجا است و از چه تاریخ این حرکت شروع شده است) پس چندی بسیار بزرگ آوردند که دو مسجد جامع برپا کرده سقیفه بنی ساعده دائر کنند ملت را مشاهده این حرکات بجوش آورده سخت بهیجان آمدند و ممانعت از بلند کردن اواء طغیانرا مصمم شده چندین هزار نفر بمسجد رفته در صدد منع و جلوگیری برآمدند یکی از مستخدمین استبداد بانک برآورد که ما را جز روضه خوانی قصدی نیست ملت او را گرفته قفتیش نموده چند حربه از شلول و قه همراه او دیدند گفتند ای قدر شقی هیچ تا کنون در مجلس روضه استعمال اسلحه معمول و متداول بوده کسانیکه خون ملت را میریزند آنها را باروضه خوانی و دیداری چه مناسبت است فدائی ملت و جانثار وطن ادیب کرمانی در این روز خدمات شایان نمود که بسدها سال از خاطرها نخواهد رفت — بالاخره چادر را خوابانیده بلکه چندین قطعه نموده بامانزاده زید برده توقیف کردند این حرکت در روز پنجشنبه هشتم واقع شد روز جمعه

نهم جمادی الاولی در مدرسه صدر که محل انعقاد انجمن اتحادیه طلاب است از ساعت چهار بمروب از دحام و جمعیت فوق العاده شد تمام انجمنهای طهران از قبیل انجمن برادران ، انجمن آذر بایجان ، انجمن عراق عجم انجمن کلاه نمیدها ، با تمام اعضاء حاضر خطباء طلیق اللسان مثل جناب آقا شیخ علی زرندی و آقای حاجی میرزا نصر الله ملک المتکلمین که خلاق سخن است و آقای آقا سید جمال الدین معروف که نطق در ربارش روح در ابدان فسرده میدهد بایانات شیرین سوء اعمال و کردار مخالفین را شرح و بسط داده ملت از هر سمت هجوم آوردند حضرت آیه الله العظمی حجة الاسلام آقای آقا میرزا سید محمد را استدعاء کرده تشریف آوردند حجة الاسلام آقای آقا سید عبد الله چون بواسطه درد چشم بشهیران تشریف برده بودند آقای زاده شانرا بنیابت آوردند همچنین آقای امام جمعه و صدر العلماء و سایرین جمع کرده باز خطباء مظالم این پارتی منحوس را شرح دادند خیال ملت متوجه بدان شد که فوراً حرکت کرده این اشخاص را گرفته از شهر اخراج کنند چون همواره صلح طلبی و آرامی سلسلک حضرت حجة الاسلام آقای آقا میرزا سید محمد است محض اطفاء نایره حرارت خلق خود بمنبر تشریف بردند و بعد از زحمات زیاد که مردم را ساکت نمودند فرمودند من با حاجی شیخ فضل الله معاهده کرده ام که بعد از این هر کتیکه مخالف مجلس و مشروطیت باشد از او سر بزند و پارتی تشکیل ندهد حال از شما خواهش میکنم نجابت خود را از دست نداده چند روز دیگر هم صبر کنید اگر نادم شد و حرکات خود را ترک کرده قهبا و الا من خودم جلو افتاده او را از شهر بیرون میکنم — ملت بد و آتمکین نمیکردند ولی با اصرار آقا قرار دادند حضرت حجة الاسلام دستخطی راجع باین فقره برای تسکین خاطر خلق مرقوم و بمهر شریف مختم فرمایند در همان عرشه منبر قلم دوات آورده حجة الاسلام تمهید نامه را مرقوم و مزین فرمودند و جناب آقای آقا سید جمال الدین صورت تمهید نامه را باصورت عهد نامه که حاجی شیخ فضل الله در چند روز قبل نوشته بودند قرائت کردند و قرار شد آخوند ملا محمد آملی که جزء پارتی منحوس است و علنا از مشروطیت مسذمت میکند با حاجی میرزا لطف الله روضه خوان که نسبت بمجلس مقدس جسارت میکند فوراً اخراج نمایند زیرا که جزاء مفسد شرعا اخراج و نفی بلد است از قرار خبریکه دیروز رسید حاجی میرزا لطف الله شبانه فرار نموده و زحمت ملت را کم کرده و پشت مستبدین را شکسته است.

(صورت دستخط حضرت حجة الاسلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

من متمهدم اگر جناب حاجی شیخ فضل الله بر خلاق
معاهده که کرده است رفتار نماید خود بشخصه او را از
طهران بیرون کنم . الا محمد آملی و حاجی میرزا الطوف الله
هم باید بروند شهر جمادی الاولی محمد ابن محمد صادق
الطباطباتی

صورت معاهده او از این قرار است حرکتیکه مخالف
و ضد مجلس مقدس شورای ملی است نکند انجمن منقذ
نکند چادر بر پا نکند همه جا موافق با مجلس مقدس شورای
ملی باشد

(بقیه محاکمه آصف الدوله و سالار مخم)

وزیر - از بنگی جای نامحل غارت چه قدر راه است ؟
سالار - باید بیست فرسخ باشد -

وزیر - از فیکي تا خاك بجنورد چه قدر راه است ؟
سالار - تا کجا ؟

وزیر - تا قدیش

سالار - تخمینا دوازده فرسخ اما محل ترکمن
وصل است بخاك بجنورد

وزیر - انوقت کجا بودید ؟

سالار - در اسفراین بودم

وزیر - از بنگی کجا رفتند ؟ - رفتند کوه تلو -
از انجا بکجا رفتند ؟ از انجا از بیراهه حرکت کردند
وزیر - خوب در این منازل غذا از کجا میاوردند و میخوردند
سالار - رسم ترکمان اینستکه دو بغروب سوار شده
شبانه داخل خاك دشمن شده سحر خود را بمحل غارت
رسانیده و غارت کرده فوراً بر میگرد

وزیر - از کدام قطعه خاك توچان وارد شدند سالار -
از میان زو و وزیر - از میان زو تا محل اقامت اسراء چه
قدر است سالار - ۴۰ فرسخ است که ۲۰۶ ده دارد
وزیر - چگونه دهات را غارت نکردند سالار - از آنها
شبانه عبور کردند وزیر - چرا غارت نکردند سالار -
دزد بمحل خاطر جمع میروند در دهات احتمال خطر بود
وزیر - مراجعت از کجا رفتند سالار - از همانجا که آمده
بودند وزیر - وقت آمدن شب بود ندیدند مراجعت که
شب نبود چرا در دهات جاوگیری نکردند
محشم السلطنه تکلیف رعیت نیست جاوگیری کند باید
سوار دولتی جاوگیری بکند وزیر عدلیه - با اطلاعاتی
که ما ها که در سرحدات حکومت کرده ایم داریم در
صورتیکه شما میگوئید در آن دهات خطر بود برای ترکمن
یعنی استعداد داشتند چطور میشود ۵۰ هزار تومان
غارت حشمی از این دهات بکنند و اهل دهات

حقوقی مطالبه نکنند ولو برای شتل هم باشد سالار -
من اطلاعی ندارم نمیدانم چرا نکردند و من تحقیق کردم
غیر از اسیر اموال نبردند وزیر - چه طور میشود زن
و بچه را ببرند مال را نبرند سالار - چه عرض کنم نمیدانم
محشم السلطنه - اگر مدت رفتن ترکمان کم بوده است
مال نبرده اند زیرا که بردن چند هزار گاو و گوسفند
خیلی زحمت دارد در ده پانزده ساعت نمیتواند ببرند
و اگر مدت حرکتشان طولانی و چندین شبانه روز
بوده است معلوم میشود مال و حشم هم برده اند

وزیر - خیر چنین نیست ما که در سرحدات حکومت
کرده ایم میدانیم چه خبر است بسا میشود چندین هزار
حشم را برده ابل آنها را تعاقب میکنند و سه چهار نفر
ایستاده جاوگیری تا دوسه ساعت میکنند بعد آنها هم فرار
کرده ایل دیگر نمیتواند خود را بحشم برساند در
حالتیکه دزدها پیاده هم هستند وضع حرکت اینها در
این واقع یکطوریست که ساعتی ده پانزده فرسخ
حشم را میبرند

(اینجا توب ظهر افتاد)

وزیر - آصف الدوله بشما تلگرافی کرد یا خیر ؟
سالار - بلی بعد از سه روز تلگرافش بمن رسید
آنوقت موقمی بود که ترکمن بخانه اش هم رسیده بود
و اقدام من بی نتیجه بود

وکیل التجار - در صورتیکه ترکمان از خاك شما
عبور نکرد چرا جواب آصف الدوله را ندادید که
بمن ربطی ندارد ؟

سالار - چرا من باصف الدوله همینطور جواب دادم
وکیل التجار - (خطاب باصف الدوله) تکلیف
حکومت شما بود که مامور فرستاده تحقیقات لازم بعمل بیاورید
آصف الدوله - عرض کردم که هفت نفر مامور فرستادم
وزیر - (خطاب بسالار) این سوارهای ترکمان
از قدیش رد شدند یا خیر - سالار - خیر از آنجا رد نشده اند
وزیر - اگر معلوم شد از قدیش رد شده اند برعهده
شماست سالار خیر ابدأ رد نشده اند -

وزیر - آصف الدوله مامورین شما چه تحقیقات کرده اند ؟
آصف الدوله - این مسئله دوسال پیش است و من ابدار این باب
تقصیری ندارم

وزیر - اینکه جواب من نشده میگویم چه تحقیقی کرده اید ؟
آصف الدوله من تحقیق کردم دولت هم کرده و در کابینه
وزارت داخله و خارجه ضبطات حلا درست یادم نیست
وزیر - عمل باین بزرگی که از خاطر محسو نمیشود
اجمالش چیست ؟ آصف الدوله - اجمالش آنکه از خاك
سالار رده اند زیرا که خود سالار میگوید از زمین خاك رو

وایران آمده اند این بین که چیزی نیست یا خاک روس است یا ایران از خاک روس که نبوده لابد از بجنورد بوده اند زیرا که فوجان بایموت که متصل نیست -

دیر مخصوص - بلی اگر از خاک روس بود فوراً بوزارت خارجه اطلاع میدادند -

سالار این کارها چیز تازه نیست همیشه واقع میشده است وزیر بله اینکارها همیشه در ایران واقع میشده و تازه نیست اما اهل مملکت تازه بیدار شده اند

(مجلس ختم و رجوع سه شنبه شد)

خلاصه مذاکرات مجلس

روز پنجشنبه ۸ جمادی الاولی

چند فصلی از قانون قرائت و مذاکره شد محترم السلطنه معاون وزارت داخله آمدند و اظهار داشتند که تلگرافی از کرمانشاه رسیده که شاهزاده سالارالدوله با یک نفر سوار در قونسول خانه انگلیس پناهنده شد که امنیت جانی و مالی میخواید که بروم بممالک خارجه تلگرافی هم سفارت انگلیس کرده که قونسول خانه کرمانشاهان چنین راپورت داده که سالارالدوله با یک نفر وارد قونسول خانه شده و مستدعی امنیت جانی و مالی میباشد هنوز جوابی در این باب بسفارت داده نشد دولت خواست که رای مجلس را در خصوص این بابت بداند چیست و چگونه صلاح میدانند اغلب و کلا بیبیات مختلفه اظهار داشتند که شاهزاده چون خیانت بدولت و ملت کرده و موجب سلب آسایش از مردم شده و قتل نفوس کرده باید آنچه اموالی که از مردم غارت برده از مال او گرفته بساحبانش رد شود اما عیال و اطفاش در امانند ولی شخص خودش را بان همه تقصیر و قتل نفوس نمیشود عفو کرد و باید بقانون شرع مجازات شود بعد از مذاکرات زیاد قرار شد در انجمنی مذاکره شد و وزیرام در این باب مشاوره نموده آنچه مصلحت شد اقدام شود تلگرافی از علمای کرمان شاه ارائه داشتند که جمعی در قونسول خانه انگلیس متحصن بودند و شرارت و افساد می نمودند که رئیس ایشان آقا محمد مهدی بوده معلوم شد که تمام مقصود ایشان ورود شاهزاده سالارالدوله باینجا بود و تمامی این حرکات ناشی از همدستی با ایشان بود چنانچه بمحض ورود ایشان در شهر باز دوباره اسباب هیجان و شورش کرده شهر را متزلزل و مضطرب نمودند بعضی از وکلاء تصدیق برصحت این تلگرافی نکردند تلگرافی از تبریز بعنوان آقایان حجج اسلام و مجلس محترم که جواب تلگرافی آقایان بود قرائت شد خلاصه آن اینکه ماهیسه در رفع مفاسد و جلوگیری آن نهایت سعی و کوشش راداشته و

داریم ولی این اغتشاشاتی که در نقاط آذربایجان ظاهر میشود اسباب تشویش اذهان و ارتباب خاطر است و علت تمام اینها تاخیر اجرای قوانین و عدالت است که از تصادم قوه مشروطیت خوانهان با استبداد اینگونه اختلالات ظاهر است دعا از حجج اسلام که عرایض صادفانه مارا بحضور اعلیحضرت همیونی رسانیده که آنچه را پدر تا جدارت عطا و شخص شخیص اعلیحضرت اجازت فرموده اید در مقام اجرا و اعمال آورده بود و صورت وقوع و وجود خارجی پیدا کند تا امنیت در بلاد و رفاهیت در عباد حاصل شود (مجلس ختم شد)

(تلکرافات خارجه)

(از لندن ۱۶ ژوئن)

اعلیحضرت امپراطور روس فرمانی صادر نمود که باید مجلس دوما منفصل شده و در انتخاب اجزای دومای جدید اتمامات کامله بعمل آید که منتخبین فی الواقع خیر خواه ملت و دولت روس باشند و ملل و طوایف مختلفه که در عهد تبعیت روس اند نمایند در دوما داشته باشند ولی عهده شان نباید بقدری باشد که در مطالب راجحه بعلمت روس اکثریت پیدا نمایند و دیگر در نقاطیکه هنوز اهلی بدرجه تربیت و ترقی نرسیده اند عجلنا انتخابات آنها بمعهده تعویق بماند علاوه در قوانین انتخابات بعضی تغییرات داده شود که عده اجزا از یاصدو بیست و چهار نفر که سابق معمول بود تخفیف داده شده به چهار صد و چهل و دو نفر اکتفا شود

و در بعضی نقاط از قبیل - لهستان - و سیریه و قفقازستان انتخابات ترتیب مخصوص غیر از ترتیب انتخابات روسیه است بعمل خواهد آمد چنانچه از عده و کلای لهستان بیست و شش نفر کاسته خواهد شد و در خانه فرمان امپراطوری نظهار عدم رضایت و بیاس از رفتار بسیاری از اجزاء دوما فرموده و شکایت زیاد می فرمایند که دوما از عزل و اخراج اجرای متمم و مقصر که در صدد تأسیس جمهوریت مملکت بوده تکامل و نفاذ و ورزیدند لهذا مجلس دوما بر حسب فرمان منفصل است

شهر بطرز برغ یراز عشون در هر گوشه و کنار و معابر چانه زده آماده و مستعد اند و اقدامات فوق العاده در حفظ امنیت و انتظام طوری بعمل آمده که بروز شورش و اغتشاش از حیز امکان خارج است و خبر انفصال دوما را اهالی بطرز برغ با کمال آرامی شنیده اند

حسن الحسینی انکاشانی